

خبر

امارات و بحرین شرکای استراتژیک آمریکا

● منشی مطبوعاتی کاخ سفید، دفتررئیس جمهوری آمریکا، با صدور بیانیه‌ای دو کشور امارات متحده عربی و بحرین را «شرکای استراتژیک کلیدی ایالات متحده» خوانده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، این بیانیه می‌افزاید که به‌عنوان شرکای امنیتی اصلی آمریکا «امارات متحده عربی و کشور پادشاهی بحرین در موقعیتی منحصربه‌فرد قرار می‌گیرند و این شاهدهی بر همکاری امنیتی استثنائی ما با این کشورهاست».

کاخ سفید به‌عنوان نمونه‌ای از این همکاری استثنائی به «میزبانی این کشورها از هزاران نفر از نفرات نیروی زمینی، دریایی و هوایی و تفنگ‌داران ایالات متحده» و همچنین «تعهد متقابل برای مقابله با خشونت افراط‌گرایان در سراسر منطقه» اشاره کرده است. این بیانیه یادآور می‌شود که هر دو کشور در ۳۰ سال گذشته در ائتلاف‌های بین‌المللی مختلف تحت رهبری ایالات متحده عضویت داشته‌اند.

در این گزارش آمده است که بیانیه اخیر یک مخاطب اصلی دارد: جمهوری اسلامی ایران و چندین مخاطب فرعی؛ دیگر کشورهای عربی جنوب خلیج فارس؛ وکنره اهمیت و جایگاه استراتژیک بحرین و امارات برای سیاست‌گذاری استراتژیک واشنگتن در خلیج‌فارس، مسئله پوشیده‌ای نیست. پایگاه ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین است؛ در یادگانی که آمریکا برای ساختن دو میلیارد دلار هزینه کرده است، پرسنل نیروی هوایی آمریکا نیز در پایگاه هوایی شیخ عیسی و فرودگاه المحرق در بحرین مستقرند. آمریکایی‌ها در امارات نیز در پایگاه هوایی المظفر حضور دارند. به همین دلیل، حتی قبل از بیانیه کاخ سفید نیز این دو کشور شرکای استراتژیک و مهمی برای واشنگتن محسوب می‌شدند.

اما در بیانیه، به شکلی کم‌سابقه، اهمیت این دو کشور با اهدای عنوانی جدید به آنها رسمیت یافته است و بار دیگر اهمیت آنها برای طرح کلان امنیت آمریکا در خلیج‌فارس و خاورمیانه، به دیگر بازیگران منطقه یادآوری شده است. هم‌زمان این بیانیه پیامی هم برای دیگران دارد: کشورهایی که باوجود فشارهای واشنگتن روابطشان را با اسرائیل عادی نکردند و حالا از حلقه نخست باران آمریکا بیرون ماندند.

کاخ سفید در این بیانیه تأکید دارد که «این تصمیم حاکی از سطح جدیدی از مشارکت بین ایالات متحده، امارات متحده عربی و پادشاهی بحرین و تعهدی پایدار به همکاری‌های اقتصادی و امنیتی و همچنین مهر تنایدی بر شهامت، عزم راسخ و رهبری فوق‌العاده این کشورها در پیوستن به توافق ابراهیمی است». مقامات آمریکایی هنوز درباره مفهوم عملی این بیانیه و تأثیر احتمالی آن بر روابط این کشور و دو کشور امارات و بحرین جزئیاتی منتشر نکرده‌اند و مشخص نیست که این تصمیم شامل چه تعهدات جدیدی برای دو طرف خواهد بود.

در سال ۲۰۱۲ و دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، ایالات متحده و شورای همکاری خلیج‌فارس تشکیل «جمع همکاری استراتژیک» (SCF) را اعلام کردند. منظور از این اقدام رسمیت‌بخشیدن به تعامل دو طرف بود که زمان تشکیل تأسیس شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ وجود داشت. این بیانیه کاخ سفید در روزهای پایانی دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ صادر شده و احتمالا به معنی تأکیدی مجدد بر اهمیت منطقه خاورمیانه برای امنیت ایالات‌متحده‌ا اوست. مشخص نیست که آیا سیاست دولت بعدی آمریکا درباره خاورمیانه تغییری اساسی خواهد داشت یا نه اما این نظر مطرح شده که حتی اگر روابط آن با «متحان» آمریکا در منطقه به‌خصوص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل گرمی سابق را نداشته باشد، حفظ ارتباط و همکاری نزدیک با آنها رویکرد بخش عمده‌ای از استراتژی بلندمدت ایالات متحده است و قاعدتا نباید دستخوش تحولی اساسی شود.

۲ قاضی زن در کابل ترور شدند

● صبح روز گذشته افراد مسلح به ماشین چند قاضی زن که کارمند دادگاه عالی افغانستان بودند، حمله کردند و دو قاضی را به ضرب گلوله کشتند. مقام‌های افغان می‌گویند این حملات در ادامه موج کشتار زنچیزی‌ها افلاان مدنی و مقام‌های دولتی انجام شده است.

احمد فهیم قائم، سخنگوی دادگاه عالی گفته است که این حمله زمانی انجام شد که قضات زن سوار بر خودرو در راه دفترکار بودند. بسیاری از قتل‌های هدفمند دیگر نیز با همین شیوه انجام شده است و قاتلان توانسته‌اند از محل حادثه فرار کنند.

در افغانستان بیش از ۲۰۰ قاضی زن در دادگاه‌های این کشور فعالیت می‌کنند. گروه‌های افراطی اشتغال زنان قاضی در دادگاه را با آموزه‌های دینی خود در تضاد می‌بینند. انگیزه این حمله تاکنون روشن نشده است و هیچ گروهی هم مسئولیت انجام آن را به عهد نگرفته است. این حمله درست دو روز پس از اعلام خبر کاشش نیروهای آمریکایی به پایین‌ترین سطح در ۲۰ سال گذشته انجام شده است. پنتاگون اعلام کرده که مطابق دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، شمار سربازان آمریکایی در افغانستان را به دو هزار و ۵۰۰ نفر رسانده است.

ترامپ «کیف هسته‌ای» را به جو بایدن تحویل نمی‌دهد

۱۲ فرمان روز نخست



به نظر می‌رسد «جو بایدن» رئیس‌جمهوری آتی ایالات متحده آمریکا مصمم است تا وعده‌های انتخاباتی‌اش را عملی کند؛ از همان روز نخست. «رون کلین»، رئیس دفتر بایدن می‌گوید که او قصد دارد به محض اتمام مراسم تحلیفش از اختیارات ریاست‌جمهوری‌اش استفاده کند و برخی از دستورات جنجالی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری که چهارشنبه کرسی ریاستش را به او واگذار می‌کند، لغو کند.

به گفته کلین، این دستورات طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها را به برمی‌گیرد؛ از مسائل داخلی و اجتماعی گرفته تا سیاست خارجی؛ از جمله اقداماتی که قرار است روز چهارشنبه اتخاذ شوند، ملحق‌شدن مجدد به توافق آب‌وهوایی پاریس، خنثی‌کردن ممنوعیت مسافرتی در قبال چند کشور مسلمان، تمدید توقف در قبال پرداخت وام‌های دانشجویی فدرال، متوقف‌کردن اخراج‌ها و توقیف‌ها در قبال مستأجران و الزامی‌کردن ماسک در سفرهای بین ایالتی و املاک فدرال. عمده این تدابیر نیازی به تأیید در کنگره ندارند اما بایدن همچنین از یک طرح پیشنهادی مهاجرتی قابل‌انتظار رومانی

خواهد کرد که مسیری برای شهروندی برای میلیون‌ها مهاجر بدون اسناد و مدارک در نظر گرفته که نیازمند به تصمیم‌گیری در کنگره است. کارشناسان بر این باورند که بایدن برای تصویب بوده ۰۹تریلیون‌دلاری برای واکنشیناسیون کووید-۱۹ و محرک‌های اقتصادی راه دشواری را در کنگره در پیش دارد؛ کنگره‌ای که اکثریت آن در اختیار هم‌حزبی‌های دموکراتش است. کلین همچنان می‌گوید، یک مجموعه گسترده‌تر از وعده‌ها برای «روز نخست» ریاست‌جمهوری، ۹ روز بعد از مراسم تحلیف عملیاتی خواهند شد. این تدابیر شامل گسترش آزمایش‌ها برای کووید ۱۹ و اولویت خرید محصولات آمریکایی توسط دولت است.

کیف هسته‌ای جنجالی

اما انتقال قدرت از بایدن به ترامپ به این آسانی‌ها نخواهد بود. «بیسکویت» معروف است و شامل کدهای فعال‌سازی در درگیری‌های هسته‌ای است؛ رئیس‌جمهوری می‌تواند این کدها را با ابزارهایی که در کیف وجود دارد، فعال کند و به‌این‌ترتیب خود را برای فرماندهان ارتش شناسایی کرده و دستور حمله به مجرد اینکه بایدن پس از برگزاری مراسم تحلیف، فرمانده کلا قوا شود، او را همراهی کنند؛ دقیقاً زمانی که ترامپ در فلوریدا مشغول بازی در زمین گلفش است.

در این گیرودار نصرت‌الله قمی در ۱۸ اسفند ۱۳۹۹ در دانشگاه دکتر زنگنه را ترور می‌کند در همین موقع قتل افشارطوس پیش می‌آید و نصرت‌الله قمی محکوم به اعدام می‌شود. آقای قمی درخواست می‌کند نواب صفوی را ببیند و برای من هم نامه نوشت. این دو ملاقات بین سیدعبدالحسین واحدی و دکتر فاطمی در ماشین فاطمی انجام می‌شود که واحدی نامه‌ای را که نواب به شاه نوشته بود، به فاطمی بدهد و فاطمی از طریق صدق این نامه را به دست شاه برساند تا عراق یک درجه به نصرت‌الله قمی تخفیف دهند اما وقتی فاطمی به عراق می‌رود دکتر مصدق نصرت‌الله قمی را اعدام می‌کند و فداییان اسلام نداشتند قمی در بستر شهادت آرمید، بر این شهادتش هزاران غیبه.

یک نکته هم درباره فاطمی بگویم که زمانی که من به او شلیک کردم، گلوله به او نخورد و گلوله در کیف او گیر کرد که الان در موزه وزارت خارجه موجود است.

کا کمی بیشتر از نصرت‌الله قمی بگویند.

نصرت‌الله قمی دانشجوی حقوق دانشگاه تهران بود، آن زمان دانشگاه‌ها زیر پوشش وزارت فرهنگ بودند، آقای قمی به علت اینکه زنگنه وزیر فرهنگ که استادش بود، در امتحانات به او نمره کم داده بود، ناراحتی برایش ایجاد شده بود و در ۱۸اسفند ۱۳۲۹ دکتر زنگنه را در دانشگاه کشت.

وقتی به دادگاه آمد، در دادگاه اول محکوم به اعدام شد، در دادگاه دوم هم حکم تأیید شد. قمی به نواب صفوی ابراز ارادت کرده بود، مرحوم نواب وقتی دید قمی یکی از اعضای حکومت را زده است دلش می‌خواست او اعدام نشود و نامه‌ای به شاه نوشت تا یک درجه تخفیف داده شود. درحرحال همان‌طورکه گفتم با سفر فاطمی به عراق و نرسیدن نامه نواب به شاه، مصدق برای قدرت‌نمایی قمی را اعدام کرد.

کا نواب صفوی چه ارتباطی با دربار داشت؟

در سال ۱۳۲۵ زمانی که پیشه‌وری آذربایجان را گرفته بود وقتی ارتش بر آذربایجان مسلط شد، دادگاه ارتش کسانی را که با پیشه‌وری همکاری کرده بودند اعدام کرد، از جمله شخصی به نام سیدمهدی هاشمی که رئیس بانک پیشه‌وری و پسر یکی از علمای سراب بود. نواب صفوی از تبریز تلگراف می‌زند تا اعدام او متوقف شود و به تهران می‌آید. به‌وسیله امام جمعه تهران درخواست ملاقاتی از شاه می‌کند که به او ملاقات نمی‌دهند و اعلامیه صادر می‌کند که شاه را در میان سنگ‌های فولادین دربار محبوس کرده‌اند لذا حرف مردم را نمی‌شنود. بعد از آن دکتر امامی پیشنهاد می‌کند نواب با شاه ملاقاتی انجام دهد که این ملاقات در کاخ سعدآباد انجام می‌شود. وقتی شاه را می‌بینید فریدون جم، وزیر دربار بود که به او می‌گوید وقتی شاه وارد شد تعظیم کن، نواب چیزی نمی‌گوید.

جهان

آرمین لاشت به‌عنوان رهبر حزب دموکرات مسیحی آلمان انتخاب شد

آغاز پایان خانم صدراعظم



آلمان یک گام دیگر به‌سوی حیات تازه سیاسی خود پس از «آنکلا مرکل» صدراعظم این کشور برداشت و رهبر جدیدی برای حزب محافظه‌کار دموکرات‌مسیحی انتخاب شد. «آرمین لاشت» متحد باسابقه مرکل توانست در انتخابات داخلی این حزب در رقابتی نزدیک با ۵۲۲ رأی در مقابل ۴۶۶ رأی فردریش مرتز را شکست دهد تا جایگاه رهبری حزب دموکرات‌مسیحی را که در یکی، دو سال اخیر موقعیت باثباتی نداشت، تصاحب کند.

آنکلا مرکل از دسامبر ۲۰۱۸ از رهبری این حزب کنار کشیده بود و پس از آن هم «آنه گرت کرامپ کارن بائر» جانشین مرکل شد اما او هم در فوریه ۲۰۲۰ و به دلیل ناکامی در رهبری حزب و سایه سنگین مرکل بر این حزب، کناره‌گیری کرده بود. با انتخاب لاشت، او تعیین‌کننده‌ترین فرد در سیاست آلمان در سئاتنه انتخابات سراسری پاییز ۲۰۲۱ خواهد شد. آنکلا مرکل تا پایان سال جاری میلادی و پس از ۱۵ سال از سمت صدارت اعظمی آلمان کنار می‌رود و با آرمین لاشت جانشین قدرتمندترین زن جهان و رهبر واقعی اتحادیه اروپا خواهد شد یا فرد دیگری را برای جانشینی مرکل برمی‌گزیند.

با توجه به سوابق موضوع‌گیری‌های سیاسی، لاشت را باید در طیف لیبرال‌های حزب محافظه‌کار دموکرات‌مسیحی قرار داد. یک متحد وفادار به مرکل که درحال‌حاضر فرماندار ایالت نوردراین وستفالن پرمجعبیت‌ترین ایالت آلمان است. لاشت از جمله سیاست‌مداران آلمانی است که از تصمیم جنجالی مرکل در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ برای پذیرش مهاجران حمایت کرد. انتخاب جانشین برای صدراعظمی که در سال‌های اخیر و با روی‌کارآمدن رهبرانی راست‌گرا در ایالات متحده و بریتانیا به‌عنوان حافظ نظم لیبرال غربی و تنها مدافع جهان آزاد شناخته می‌شد، کار دشواری بود. از حدود سه سال قبل بحث بر سر جانشینی مرکل مطرح بود و اولین تلاش او برای نشاندن چهره مورد نظر خود بر صندلی رهبری حزب دموکرات‌مسیحی

انگلیس در ترور شاه نقش داشت

را گرفتند کمی صبر کردم و داخل مغازه رفتم. گفتم این آقایی که الان وارد شد کجا رفت. صاحب مغازه گفت آقای عبدخدايي، خليل طهماسبی را می‌گوین؟ و مرا شناخت گویا نواب یک ساعت قبل از حضور من در همین مغازه دستگیر شده بود. آدمم بیرون دیدم تعدادی بچه دارند فوتبالی بازی می‌کنند. پرسیدم خانه ذوالقدر کجاست. یکی‌شان آدرس داد. من در زم یک‌ی از فامیل‌های ذوالقدر در را باز کرد و گفت آقا مهدی همه را گرفتند. من باورم نشد نواب و واحدی را اینجا گرفتند.

به داخل خانه رفتم دختر ذوالقدر آمد و گفت با مادرم کار داری، گفتم بگو مهدی آمده است. از پله‌ها بالا رفتم همسر ذوالقدر گفت مهدی به روسیه رفته کار می‌کنی. همه را گرفتند من تازه فهمیدم این آقایون دستگیر شده‌اند. از پله‌ها پایین آمدم که در زدند. دو نفر وارد خانه شدند و سراغ مادر خانه را گرفتند دختر ذوالقدر هدایتشان کرد به طبقه بالا. من آرام به بیرون رفتم. جلو خانه کسی ایستاده بود چون سرش پایین بود من را ندید و کوچ‌های دست چپم بود که به سمت خیابان ۱۷ شهرویر فعلی فرار کردم و از آنجا به خانه دایی‌ام در تبریز رفتم و پس از هشت‌ماه با گروه دوم ذوالقدر اسلام دستگیر شدم. در دادگاه من به چهار سال زندان محکوم شدم، در تجدیدنظر ۹ نفر تیره شدند و چهار سال من به هشت سال به علت اقدام علیه امنیت کشور و تحریک مردم به تحركات مسلحانه تبدیل شد که گفتم تيمسار شناسنامهات همراهت است؟ گفت به تو چه. گفتم عسکت را در آینه نگاه کن، روزی که آزاد شوم هشت سال زندان کشیدم آن‌وقت تو مردی، گفت اگر اول دادگاه گفته بودی تو را اعدام می‌کردم.

کا در زندان با چه کسانی هم‌بند بودید؟

با توده‌ای‌ها هم‌بند بودم؛ با مهندس شرمینی، محمدعلی عمویی و تمام افسران توده‌ای چون ۶۲۸ افسر توده‌ای دستگیر شده بودند که ۴۸ نفر از آنها اعدام شدند.

کا نواب چگونه اعدام شد؟

نواب در دادگاه اول توسط سرتیپ قطبی و در دادگاه تجدیدنظر توسط سرلشکر مجیدی به اتهام تحریک مردم به مسلح‌شدن بر ضد سلطنت اعدام می‌شود. تیمور بختیار ناظر بر اعدام و آزموده اعدامشان می‌کند.

نواب هنگام اعدام لباس روحانی پوشید و با چشمان باز اعدام شد و هنگام اعدام نیز الله‌اکبر می‌گفت و مردانه پای میان رفت. او می‌گوید چشمانم را نبندید می‌خواهم با چشمان باز خدمت فاطمه زهرا شرفیاب شوم. بعدا کارشناس آمریکایی عکس‌های این چهار نفر اعدامی را بررسی می‌کند تا مطمئن شوند نواب صفوی تیرباران شده است یا خبر؛ روزنامه تایمز نیز می‌نویسد مردی که ۱۰ سال منافع انگلستان را در ایران به خطر انداخته بود، دیشب اعدام شد. نواب صفوی سبیل مبارزه با انگلستان و آمریکا بود.

در حوالی میدان سرخ

دموکرات‌ها، عربستان را در مسیر روسیه قرار می‌دهند

احمد وخشیته
دانشیار دانشگاه ملی اور اسیا

● واپسین روزهای مذاکرات ایران و ۵+۱ در ابتدای تابستان ۲۰۱۵ بود که محمد بن‌سلمان، وزیر دفاع وقت عربستان سعودی با رئیس‌جمهوری روسیه، نقطه وارد روسیه شد. در آن هنگام گمانه‌زنی‌های گوناگونی در تفسیر این دیدار مطرح شد؛ پررنگ‌ترین فرضیه این بود که به دنبال مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا و در پی آن، بسته‌شدن پرونده هسته‌ای ایران، پنجره جدیدی در روابط تهران با غرب گشوده خواهد شد؛ از این رو می‌توان این دیدار را در راستای آرایش جدید موازنه‌قدرت در منطقه تعریف کرد. اگرچه برای این سفر اهداف دیگری نیز تبیین و تحلیل شد؛ از جمله آنکه عربستان به دنبال آن است که از حمایت روسیه در بحران یمن بهره‌مند شود.

با این وجود اغراق نیست اگر بگوییم دیدار این شاهزاده سعودی با رئیس‌جمهوری روسیه، نقطه عطفی در شکل‌گیری دور نوینی از روابط میان مسکو و ریاض بوده است؛ چراکه به موجب آن شش موافقت‌نامه استراتژیک میان دو‌کشور امضا شد که مهم‌ترین قسمت آن مشارکت روسیه برای ساخت ۱۶ نیروگاه اتمی در عربستان بود؛ اگرچه همکاری در حوزه هوافضا، نظامی، انرژی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری نیز دیگر موضوعات این موافقت‌نامه‌ها را تشکیل می‌داد.

درست یک سال بعد، پادشاه عربستان هم‌زمان با تولد بوتین، در سفری سه‌روزه وارد مسکو شد؛ اگرچه در بدو ورود، پله‌برقی هوپمای او کار نکرد و با کام‌های خود به ناچار از هوپایما خارج شد اما در نهایت با امضای ۱۴ سند همکاری تأمل‌برانگیز به ریاض بازگشت.

بوتین نیز در پاسخ به سفر پادشاه عربستان پاییز ۲۰۱۸ به ریاض سفر کرد؛ سفری که به گفته رئیس صندوق سرمایه‌گذاری‌های خارجی روسیه، طریفن در حال بررسی ۲۵ پروژه به ارزش ۱۰ میلیارد دلار بودند که نهایتاً ۱۰ توافق به ارزش دو میلیارد دلار امضا شد. میان این سال‌ها، آموشدها و گفت‌وگوهای تلفنی میان وزرای انرژی روسیه و عربستان نیز تشدید شد و دو کشور همکاری‌های بسیار جدی را در اوپک پلاس دنبال کردند. البته گراف نیست اگر بگوییم که محمد بن‌سلمان نقش بسیار مهمی در این هم‌گرایی نداشته است. نهایتاً بعد از گذشت کمتر از پنج سال از سفر بن‌سلمان به روسیه، تراز تجاری دو کشور رشدی نزدیک به سه‌برابری را تجربه کرد و به بیش از یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسید. موضوعی که سرگنی لاوروف در دیدار با همتای سعودی خود، فیصل بن فرحان آل سعود در پنجمینه گشت‌ته نیز به آن اشاره کرد. بر کس‌پی پوشیده نیست که سیاست‌های آمریکا در دوران دونالد ترامپ بسیار نزدیک به سعودی و در تقابل حاکمتری با جمهوری اسلامی ایران بود و آمدن بایدن بر مسند قدرت، آبی بر آتش این رویکردهای هیجانی خواهد بود. اما در این میان سفر وزیر خارجه عربستان به روسیه آن‌هم یک هفته مانده به آغاز ریاست‌جمهوری رسمی بایدن، تداعی‌کننده سفر بن‌سلمان در سال ۲۰۱۵ است. اگرچه پیش از این دیدار از سوی وزارت خارجه روسیه اعلام شد که دستور کار این گفت‌وگوها مشارکت برای مقابله با ویروس کرونا و همچنین همکاری‌های دو‌جانبه در حوزه انرژی هسته‌ای، صنعت فضایی و موضوعات منطقه‌ای است؛ اما با این وجود محور صحبت‌های وزیر خارجه عربستان در نشست مطبوعاتی مشترک با لاوروف که ۵۴ دقیقه به طول انجامید، موضوع ایران بود. درحالی‌که سرگنی لاوروف هواره از عبارت «خلیج فارس» استفاده می‌کرد و بر طرح امنیت جمعی روسیه در خلیج فارس اشاره داشت، وزیر خارجه سعودی، پاسخ هر سؤالی را به نحوی به ایران مرتبط و عبارت جعلی برای خلیج فارس به کار می‌برد؛ اگرچه مترجم روسی آن را خلیج فارس ترجمه می‌کرد.

اما در مجموع به نظر می‌رسد که این کنفرانس مطبوعاتی شامل چند نکته بود:

نخست آنکه روسیه از کاهش تنش‌ها در منطقه خلیج فارس حمایت می‌کند. از این‌رو از یک‌سو، لاوروف نشست سران شورای همکاری خلیج فارس به میزبانی عربستان را بااهمیت و ستودنی دانست و از اتحاد اعضا استقبال کرد؛ همچنین بر گفت‌وگوهای سیاسی مستقیم میان تهران و ریاض با تأکید بر کاهش تنش‌ها مبتنی بر طرح امنیت جمعی روسیه در منطقه خلیج فارس اشاره داشت.

اما از سوی دیگر موضع‌گیری‌های هیجانی فیصل بن فرحان نشان می‌دهد که ریاض به‌شدت از تغییر تاکتیک‌های آمریکا با روی‌کارآمدن بایدن در قبال ایران واهمه دارد و از این رو یک موازنه تهدید جدید در منطقه را جست‌وجو می‌کند. مسکو نیز می‌پندارد که نگاه بایدن به روسیه بر مبنای دشمنی ترسیم شده است؛ از این‌رو تلاش می‌کند تمامی طریفن را با خود همراه داشته باشد؛ شاید از همین جهت بود که لاوروف از یک‌سو تأکید کرد که نگرانی‌های ایران را درک می‌کند و از سوی دیگر از آغاز گفت‌وگوهای روسیه با انصراالله یمن خبر داد و به این موضوع اشاره کرد که البته برخی به دنبال تضعیف این گفت‌وگوها هستند. اکنون باید به انتظار نشست که آیا روی‌کارآمدن دموکرات‌ها در ایالات متحده، به تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه و هم‌گرایی بیشتر ریاض با مسکو منجر خواهد شد.